

«در آستانه تجدد» با سخنرانی داود فیرحی، عباس منوچهری و جواد کاشی

فقه و ظهور دولت مدرن

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست



هم مسلمان مکلف، هم شهروند حق مدار

داود فیرحی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

مرحوم نائینی کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله را سال ۱۹۰۵ (۱۲۸۵ خورشیدی) ۱۳۲۴ (قمری) نوشته است. این کتاب از همان زمان مورد جر و بحث است، چند بار چاپ و اصلاح شده است. برخی جاها گفته شده خود مرحوم نائینی این کتاب را جمع‌آوری کرده است. ۵۰ سال بعد از انتشار کتاب یعنی سال ۱۳۲۴ خورشیدی یعنی دو سال بعد از کودتای ۱۳۳۲ مرحوم ای‌تالله طالقانی تلخیصی از این کتاب ارائه داده و تصحیحی نیز بر آن داشته‌است. در این سال‌ها درون‌زا و اندیشیده یعنی از تصحیر حکومت و همچنین بحث حکومت اسلامی مطرح شده‌بود. ای‌تالله طالقانی نیز بر اساس دیدگاه‌های دهه ۱۳۲۰ خورشیدی، برداشت‌های بعضا ستیزانه‌خود را از تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله نائینی ارائه داده بود. بعد از آن نیز شرح روشنی از این کتاب نبود. آخرین و مهم‌ترین تصحیح از تنبیه‌الامه و تنزیه‌الامه آقای سید جوادوری در سال ۱۳۸۲ (اربه‌داد که شاید بتوان گفت بهترین شرح از نسخه‌های اصلی این کتاب است. تاکنون نیز دست خط مرحوم نائینی در این مورد پیدا نشده و در تصحیحات معمولاً به همان نسخه‌سربی و بعدآنسخه‌سنگی ارجاع داده شده‌است.

فارس‌ی اماقشرده

بسیاری معتقدند تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله اثر مهمی است، دویوزگی آن از این است که اولاً به زبان فارسی نوشته‌شده‌اما پر از اصطلاحات است، ثانیاً بسیار فشرده است و نویسنده‌اش مرحوم نائینی شخصیت مختصری است. کسانی که به خصوص زندگی علمی او را مطالعه می‌کنند، می‌دانند که ایشان بنیانگذار یک مکتب فقهی-اصولی است. برتری آنی چون مرحوم کمپانی اسفهان‌ی، علامه طباطبایی، و مرحوم ای‌تالله خوبی، ای‌تالله سیستانی و مرحوم ای‌تالله بروجردی خود را پیرو مکتب فقهی و سبک اصولی مرحوم نائینی تلقی می‌کنند. این مکتب الان نیز در حوزه زنده است و به همین دلیل آثار ایشان تمام تولید و باز تولید می‌شود. خود مرحوم نائینی، همچون مرحوم آخوند خراسانی و موجزنویس است و فشرده می‌نویسد و جملات و گزاره‌ها سرشار از اصطلاحات فنی و تخصصی است که در کدام از این تعابیر معانی گسترده‌ای دارند. به همین دلیل برخی محققان مثل محسن هجری کوشیده‌اند این کتاب را بازنویسی کنند اما بازنویسی ایشان سبب شد که کتاب از اصطلاحات و ادبیات هر مرحوم نائینی تخلیه شود. بر این اساس تنبیه‌الامه امکان ترجمه و ساده‌سازی ندارد و تنها راه شرح اصطلاحات آن است.

اما اهمیت تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله در این است که با انقلاب مشروطه جامعه ایران برای نخستین بار از حیث رابطه دین و دولت وارد دوره جدیدی می‌شود(ان ظهور دولت مدرن در ایران است. بالاخره مشروطه‌خواه موفق شده‌باشد یاخیر، داعیه تجدیددولت‌داشت یعنی بنیاد ایده‌ملت-حولت(nation-state) بوده است و این تابع کل جامعه مسلمانان باشد و در عین حال به لحاظ ملیت جزو جامعه ایران باشد؟ زیرا تا آن زمان مسلمانان ناسیونالیسم و دولت‌ملی‌رأنی پذیرفته‌و دنبال دولت بزرگ اسلامی بودند. اما مرحوم نائینی توانست درون دیدگاه‌های فقهاتی مارا‌هی به سوی دولت ملی بر کند و برای نخستین بار از حقوق ملی و قرارداد صحبت کرد. دقیقاً از قرارداد ششبه قرارداد جان لاک صحبت کرد. نائینی برای نخستین‌بار پس از بحث حقوق عمومی یا حقوق مشترک ملی و قرارداد، از انتخابات، مجلس، تفکیک قول، مالیات، قانون موضوعه و… بحث کرد و بلافاصله بعد از اینها مرحوم نائینی نخستین بار مکانیزم انتخابات را به اینچمن‌ها گره زد یعنی نخستین نسل احزاب را مورد بررسی قرار داد.

هم متدین، هم ملی

خلاصه حرف مر حوم نائینی با این بحث‌ها این بود که چطور می‌شود آدم هم مسلمان باشد و هم ملی؟ این‌واژه‌سنگین بود. همچنین آدم هم مسلمان مکلف باشد و هم شهروند حق مدار؟ مر حوم نائینی در بحث‌های خود دولت‌دموکراتیک را مطرح کرد. این مباحث خیلی مهم بودند. اما واژه‌های مرحوم نائینی فشرده بود و نیاز به توضیح داشت. هر کس وارد می‌شد تا این کتاب را بخواند، خیلی زود از آن خسته می‌شد. حتی برخی درباره آن تصواری دارند. مثلاً دکتر صادق زیباکلام در کتاب ما و مدرنیته و سنت و تجدد تصورش این است که مر حوم نائینی کتاب را به عربی نوشته و آقای طالقانی این را ترجمه کرده و تأکید می‌کند که ترجمه نیز بد است.منظور این است که کتاب طوری است که در وهله اول مشخص نیست فارسی است یا عربی است اما اصلاحات است. یا. همچنین ز کتاب با اینکه در واژه‌های آن معانی بسیار زیادی دارند، به گونه‌ای قفل است. من تلاش کردم اصطلاحات کتاب را باز کنم.

پیوست دیگر مقدمه مرحوم ای‌تالله طالقانی است. مرحوم طالقانی به لحاظ فکری گرایش به اسلام چپ دارد و بعضی جاها کوشیده مر حوم نائینی را با این نگاه بفهمد و توضیح دهد. برای مثال وقتی مرحوم نائینی از شورا صحبت می‌کند، منظورش دموکراسی است، در حالی که مرحوم طالقانی در تفسیرش از soviet (text) گاهی چگونه در کمند زمینه (context) قرار می‌گیرد و معنایش جا‌به‌جامی‌شود. در نتیجه خواننده این متن می‌فهمد که مر حوم طالقانی ۰عسال قبل چطور این متن را می‌فهمیده و ما که امروز آن را می‌خوانیم، جور دیگری آن را می‌فهمیم. شاید ۱۰۰ سال بعد فرد دیگری وجوه دیگری از این ادبیات را بفهمد

پاسخ به دکتر منوچهری: تصور آزادی نبود

کار کردن در براره نائینی سخت است. نائینی در بخشی از کتابش از یک بیخ صحبت می‌کند و می‌گوید که طبیعت تمدن جوری است که بدون مفهوم برابری و آزادی انسان شکل نمی‌گیرد. در نتیجه اگر می‌بینیم در گذشته انسان‌ها تمدن داشته‌اند، نشان‌دهنده آن است که آنجا برابری و آزادی بوده‌است. اما چه اتفاقی افتاده است که قضیه بیخ خورده و جامعه‌ای که شاید ۱۰۰ سال بعد فرد دیگری باور بنیادینش است؟

تنبیه‌الامه در چهار حلقه

سبک کار من این بود که هر اصطلاحی از نائینی را در چهار حلقه بررسی کنم. ابتدا کوشیدم، نشان دهم که خود نائینی آن اصطلاح را در آثار دیگرش چگونه توضیح داده است. اما اگر در آثار نائینی چیزی نمی‌دیدم، سراغ ادبیات فقهی و اصولی دوره مشروطه می‌رفتم تا مشخص شود که فقهای آن دوره چگونه این اصطلاحات را کار می‌بردند و چه منظوری از این واژه‌ها داشتند. اما اگر نتایج این اصطلاح پیدا نمی‌شد، کار دیگری می‌کردم. مر حوم نائینی ادبیات فلسفی خوبی داشت و بنابراین اگر این اصطلاح را نمی‌یافتم، در آثار فلسفی دو مکتب این‌سینا(مشابین) و ملاصدرا(حکمت متعالیه) می‌کوشیدم معنای اصطلاح را بیابم. اگر اینجا هم معنای اصطلاح را پیدا نمی‌کردم، از روشنفکران و نویسندگان دوره مشروطه یعنی از بستر و زمینه (context) تاریخی بهره می‌گرفتم.

نقد شیخ فضل‌الله نعمت‌است

برای حفظ شکل کتاب با ناشر تصمیم گرفتیم متن تنزیه‌المله نائینی ارائه داده بود. بعد از آن نیز شرح روشنی از این کتاب نبود. آخرین و مهم‌ترین تصحیح از تنبیه‌الامه و تنزیه‌الامه آقای سید جوادوری در سال ۱۳۸۲ (اربه‌داد که شاید بتوان گفت بهترین شرح از نسخه‌های اصلی این کتاب است. تاکنون نیز دست خط مرحوم نائینی در این مورد پیدا نشده و در تصحیحات معمولاً به همان نسخه‌سربی و بعدآنسخه‌سنگی ارجاع داده شده‌است. عروه است. البته مخالفت‌های مرحوم بزدی چندان مدون نیست، اما مخالفت مرحوم شیخ فضل‌الله نوری مدون است. اصلاً شیخ فضل‌الله نوری برای ما یک نعمت است، او شبیه‌ای را به لحاظ علمی ایجاد کرده که ۱۱۰ سال است نتوانستیم‌ایم از آن خلاصی پیدا کنیم. این شبهه را تحت عنوان امتناع دولت ملی یا امتناع دولت دموکراتیک می‌توان صورت‌بندی کرد. این شبهه سنگینی است و شیشه شهبانی است که در ادبیات غرب بر برخی بزرگان مطرح کرده‌اند و بنابراین یک نعمت است، یعنی حرفی زده که متفکران مجبورند به پاسخ دهند. من در این کتاب اصل متن و شباهت مرحوم شیخ فضل‌الله را آوردم تا خواننده‌ایان نائینی در مقابل چه اندیشه‌ای موضع‌گیری می‌کند. کار دوم این است: مرحوم نائینی در کتابش تأکید می‌کند که من می‌خواستم دو فصل راجع به رابطه فقه و حکومت بنویسم، خواب دیدم و نوشتم، برخی نویسندگان فکر می‌کردند مرحوم نائینی از ولایت فقیه صحبت می‌کرده و تقیه کرد و صحبت نکرده‌است. در حالی که خود مرحوم نائینی دید دیگری به طور مفصل نظرش را در این باره آورده است و نظر متفاوتی در این زمینه دارد. من قلعلمت مرحوم نائینی را ترجمه کردم و آوردم تا خواننده نگاه امروزی را به نائینی نگاه تحمیل نکند.

نگرش چپ‌گرایانه مر حوم طالقانی

دال مر گزی نائینی نقد استبداد است

عباس منوچهری

استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

آقای دکتر کاشی با صحبت از زیست مقدر و امکان و شرایط به شکل‌ی‌های گری صحبت کرد! آقای دکتر فیرحی نیز که بحث زمینه و اسکنبری کرده است! یعنی دکتر قادری نیز که من می‌گویم هایداسکنبرا! فقهی منوچهری هم هایدگری و هم اسکنبری است! خوب‌بخانه گرایش اندیشه‌ای به علوم سیاسی در ایران رونق گرفته‌است. دکتر فیرحی نیز در این چارچوب در اندیشه‌سیاسی در اسلام ارزشمند است. پاسخ به این سوال دکتر کاشی که آیا علامه نائینی موفق بوده یا خیر، جای دیگری باید داده شود، اما معتقدم دکتر فیرحی موفق بوده است. به تبع علایق و ضرورت‌هایی که دارم، حدود ۱۰ بار مقدمه در آستانه تجدد را خواندم. خود متن نائینی را قبلاً خوانده بودم و معتقدم اگر بتوان گفت کار نائینی موفق نبوده، یک دلیل ساختار متن است. دکتر فیرحی از تعبیر بل‌ساز برای علامه نائینی استفاده‌می‌کند یعنی علامه نائینی می‌کوشد پلی بین فقه و سیاست ایجاد کند. من فکر می‌کنم کار دکتر فیرحی نیز نوعی بل‌ساز است یعنی ایشان با این کار شما می‌توانید با متن نائینی ارتباط برقرار کنید. اما با وجود تلاش برای تحال‌شعاع قرار گرفتن متن، ولی به دلیل حجم بسیار زیاد و عمق مطالب از نسوی دیگر نهایتاً این بل‌ساز ی بین متن نائینی و مخاطب ایجاد نشده‌است.

داده‌است یعنی غیر از ترجمه لغات در حاشیه، مفاهیم از نظر تاریخی- فرهنگی ریشه‌یابی شده‌اند. در نتیجه ما این جاها چهار متن مواجهیم یعنی اول متن نائینی با مختصات خودش را داریم، ثانیاً متونی را داریم که هم مرحوم نائینی و هم دکتر فیرحی در توضیحات به آن راجع می‌دهند، از متون کهن چون قرآن کریم،

info@etemadnewspaper.ir

هم متدین، هم ملی

داود فیرحی: خلاصه حرف مر حوم نائینی با این بحث‌ها این بود که چطور می‌شود آدم هم مسلمان باشد و هم شهروند حق مدار؟ مر حوم نائینی در بحث‌های خودش دولتی دموکراتیک را مطرح کرد. این مباحث خیلی مهم بودند. اما واژه‌های مر حوم نائینی فشرده بود و نیاز به توضیح داشت. هر کس وارد می‌شد تا این کتاب را بخواند، خیلی زود از آن خسته می‌شد. حتی برخی درباره آن تصواری دارند. مثلاً دکتر صادق زیباکلام در کتاب ما و مدرنیته و سنت و تجدد تصورش این است که مر حوم نائینی کتاب را به عربی نوشته و آقای طالقانی این را ترجمه کرده و تأکید می‌کند که ترجمه نیز بد است!



استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

فقه و سیاست

مردم باشد، حقوق عمومی که با جامع آوری، توزیع و مصرف درست مالیات گره خورده است. او تاریخی نگاه نمی‌کرد، بلکه تصورش این بود که دولت درست، دولت حداقلی است. به همین خاطر معتقد بود هر چه به وظایف دولت اضافه شود، به سمت دولت ناقص و در نهایت فاسد نزدیک می‌شود.

نقد شیخ فضل‌الله سنگین است

نظریه نائینی با شبهه‌های سنگینی مواجه است. به نظر می‌آید شیخ فضل‌الله می‌توانست این تئوری را ساختار شکنی (deconstruct) کند. بعد از او هم تلاش‌هایی صورت گرفت. در لینسان مرحوم شمس‌الدین، در ایران قبل از انقلاب علامه طباطبایی ذیل اعتباریات، در ایران بعد از انقلاب دکتر شیخ مهدی حلائی در حکمت و حکومت این تئوری را دنبال کردند. یعنی نظریه رها نشده اما همچنان منتقدان جدی خودش را دارد. اما اینکه چرا این نظر به عملی نشده، به فضای فرهنگی ما بازمی‌گردد. نظریه خیلی مدرن است، اما فضای فرهنگی مشروطه قادر به تحمل آن نیست.

از ماکیاوولی تا راسطو و روسو

وقتی این کتاب را کار می‌کردم، به دو نفر زیاد فکر می‌کردم: نیچه و ماکیاوولی. یعنی همچون ماکیاوولی که با متفکران یونان و روم هم‌منشئی خیالی داشت، با نائینی به تخیل می‌پرداختم. ضمن آنکه فکر می‌کنم ایده‌های نائینی همچون نیچه بسیار زودهنگام است و ما هنوز هم نمی‌توانیم مفاهیم نائینی مثل آزادی را هنم کنیم. نائینی هیچ جا اشارات‌های به غرب نمی‌کند. فقط دو متفکر را می‌سنداید، یکی ارسطو و دیگر روسو. می‌گوید نخستین حکیمی که حکومت مردم را کشف کرد زهی خوشبختی برای او باعث غبطه ما است، همین طور زهی شرمندگی ما. تمام واژه‌های او از درون سنتن اسلامی است. او هم به تاریخ و هم به فلسفه مسلمانان سلسله است. او